

عباس عبدي

انتشار اسامي 6 تن به عنوان نامزدهاي تعيين شده از سوي شوراي نگهبان براي انتخابات رياستجمهوري موجب تعجب شد. اگر چه اين احتمال وجود دارد که به عللي تغييرات کوچكي نيز در امروز و فردا در اين ليست رخ بدهد، ولي در روال عادي همين نامها تايد شده‌اند. در طول يك هفته گذشته که گمانه‌زنيها درباره تأييدشدگان احتمالي وجود داشت، با قطعيت مي‌توان گفت که هيچ کس چنين ليستي را پيش‌بيني نمي‌کرد؛ حتي به صورت شانسي هم کسي نگفته بود که اين ۶ نفر افراد نهايي واجد صلاحيت هستند. يك مورد هم که گفته بر اساس تحليل نبوده بلکه بر اساس اطلاع خبري بوده و کسي هم به آن توجه چنداني نکرد. اين پديده نشان مي‌دهد که جامعه، حتي بخش مهمي از اصولگرايان در نقطه مقابل درك شوراي نگهبان هستند که اصولاً رفتارشان قابل پيش‌بيني نيست. در پي اين نيستم که اثبات کنم نظر اين شورا نادرست است، چون اساساً چنين فرآيندي را نه مطابق با روح انقلاب و حاکميت مردم مي‌دانم و نه حتي مفيد به حال وضعيت جناح حاکم. اينکه يك نفر را پيش‌تر رداصلاحيت کردند ولي اين بار او را تأييد مي‌کنند، در حالي که هيچ تغيير ملموس يا مهمي در او رخ نداده، جاي تعجب دارد. پيام اين رفتار روشن است. اينکه تصميمات ضابطه‌مند نيست و نمي‌توانيد روي برداشتهاي خود از روند امور کشور حساب کنيد و ريسک سرمايه‌گذاري (هر نوع سرمايه‌گذاري) بالاست. سخنگوي شوراي نگهبان گفته است که يکي از دلایل اين پديده، تغيير اعضاي شوراي نگهبان است. اين عذر بدتر از گناه است. مگر هنگامي که قضات يا شعب قضايي تغيير مي‌کنند، بايد احکام قضايي نيز تغيير کند؟

پذيرش اين، يعني بلاموضوع کردن عدالت و تقليل آن به خواست و سليقه و اراده قاضي. اگر ضوابط حقوقي درست تنظيم شود، همه دادگاهها و قضات بايد حکم واحد بدهند يا اگر اشتباه مي‌کنند در مرحله تجديد نظر اصلاح شود. اگر همين يك ايراد را در مورد سازوکار موجود در نظر بگيريم، متوجه ميشويم که چرا انتخابات در اين جامعه دچار فراز و فرود ميشود و شده است. يك مورد مثل انتخابات اسفند ۱۴۰۲ است که حداقلها را هم نداشت و مشارکت پايين آن در کشور و تهران رکورد زد و در مقابل انتخابات ۱۳۹۶ است که در اوج مشارکت بود.

گذشته از این مساله مهم نامزدهای موجود را اکنون می‌توان در قالب 5+1 تعریف کرد. ۵ نفر از نامزدهای اصولگرا که طبعاً از گروه‌های گوناگون آنان هستند و يك نفر نامزد مورد حمایت جبهه اصلاحات یعنی آقای دکتر پزشکیان است که زمینه را برای فعالیت انتخاباتی آنان و مشارکت عمومی مردم فراهم می‌کند. هر چند نامزدهای دیگر منسوب به این جبهه ردصلاحیت شدند ولی این حداقل را باید مغتنم شمرد. در اولین گام به آقای دکتر پزشکیان پیشنهاد می‌کنم که مجموعه نامزدهایی را که تأیید نشدند و با اصول و معیارهای ایشان و جریان اصلاحی قرابت دارند دعوت کرده و ستادی کامل و فراگیر را تشکیل بدهند. واقعیت این است که تجربه سه سال گذشته بسیار تلخ بوده و مردم با پوست و گوشت و استخوان خود آن را حس کرده‌اند. رغبت مردم به مشارکت انتخاباتی، برخلاف انتخابات ۱۴۰۰ زیاد شده و در روزهای آینده باید افزایش پیدا کند و این ظرفیت نزد آقای پزشکیان وجود دارد ولی به فعلیت در آوردن آن طی دو هفته طبعاً کار سختی است، هر چند نشدنی نیست. تجربه ۳ سال گذشته نشان داد که پروژه یکدست‌سازی نه تنها شکست خورده است، بلکه خطرات فراوانی برای کشور و مردم دارد. ویژگی مهم آقای پزشکیان صداقت و سلامت اوست. ولی این ویژگی را باید از طریق جلب مشارکت نخبگان با مخزنی از خردمندان تکمیل کند. آقای پزشکیان بهتر است که خودتان باشید؛ نیازی به تغییر ندارید. اگر خودتان باشید، رأی مردم به سود صداقت خواهد بود، هیچ کدام از نامزدهای دیگر از این نظر قادر به رقابت با شما نیستند. اگر صداقت و راستگویی را کنار بگذارید تا رأی کسب کنید - که قطعاً نخواهید کرد - زیرا هیچ‌گونه برتری نسبت به دیگران پیدا نخواهید کرد و از هر منظر شکست خواهید خورد. الگوی خاتمی را در سال ۱۳۷۶ جدی بگیرید. وعده‌های بی‌پایه و نشدنی ندهید. سال ۱۴۰۰ را به یاد بیاورید، مبادا بگویید که تورم را نصف و تکریمی می‌کنم. آنان که به شما رأی می‌دهند این حرف‌ها را توهین به خود خواهند دانست. من سعی می‌کنم ایده‌های خود را به نحوی منعکس کنم یا به اطلاع برسانم ولی می‌دانم که در يك موقعیت تاریخی خطیری هستید، مسوولیت شما تکرار نشدنی است. چون شما به نهج‌البلاغه خیلی علاقه دارید و به آن مسلط هستید این جمله را یادآوری می‌کنم که: «فرصت‌ها را غنیمت شمارید که چون ابر می‌گذرند.»

منبع: روزنامه اعتماد 21 خرداد 1403 خ